

درخواست متفاوت اولیای دم برای قاتل شکاک

مردی که زن سابقش را کشته بود از سوی دو پسرش بخشیده شد اما والدین مقتول برای او درخواست قصاص کردند.

به گزارش خبرنگار جام جم، مهرشاد مرد میانسالی است که در پی اختلاف با زن سابقش ساعت ۷ شازدهم اسفند سال ۱۴۰۱ او را مقابل محل کارش در بیمارستانی در غرب تهران با شلیک سه گلوله به قتل رساند و بعد از دو سال فرار، بازداشت و بعد از بازسازی صحنه قتل روانه زندان شد. باگذشت یک سال از دستگیری، دوزوز بیش دو پسرش به شعبه دوم بازپرسی دادسرای جنایی

«جام جم» در گفت وگو با ۲ کارشناس ارشد تصادفات، روند صعودی تلفات را بررسی کرد

تلفات رانندگی ترمز برید

تلفات رانندگی پس از یک دوره کاهش دوباره روند صعودی به خود گرفته و از ابتدای امسال آمارهای پزشکی قانونی تلخ، نگران کننده و هشدار دهنده است. آمارهایی که هر بار رنگ خطر را به صدا در می آورد اما گوش شنوایی برای آن نیست و همچنان جاده های حادثه خیز و خودروهای ناایمن جان می گیرند و طرح های پلیس هم بی اثر می ماند؛ طرح هایی بیشتر از سر آزمون و خطا که نتوانسته در کاهش تلفات اثرگذار باشد. در کنار این طرح های بی ثمر، به نظر می رسد چشم ها هم به نقاط حادثه خیز جاده ها و خودروهای ناایمن بسته شده و دیگر فرماندهی قصد ندارد جلوی شماره گذاری ارايه های مرگ را بگیرد. ابتدا برای درک بهتر وضعیت، آمارهای تلفات رانندگی پزشکی قانونی در سال ۱۴۰۳ را مرور کرده و سپس دلایل افزایشی شدن تلفات و راهکارهای پیش رو در گفت وگو با کارشناسان

مجید غمخور
ابنا حسین زاده
گروه حوادث

حضور پلیس در جاده و شهرها پررنگ شود

سرهنگ جمال بذرافشان، کارشناس عالی تصادفات و ترافیک، در مورد چرایی افزایش تصادفات و تلفات رانندگی در کشور به جام جم گفت: برای همه تصادفات نمی توان نسخه واحد پیچید اما شرایط اجتماعی، فرهنگی و به ویژه اقتصادی در بروز تصادفات تاثیر مستقیم دارد. نقش راه، خودرو و نظارت بر رفتار ترافیکی هم بسیار موثر است.

وی در مورد این که افزایش جرمه رانندگی چه تاثیری در کاهش تصادفات دارد، گفت: این موارد تاثیر آنچنانی نداشته و صرف افزایش نمره منفی و مبلغ جریمه بازدارنده نیست. تا زمانی که پلیس نظارت کاملی نداشته باشد و نظارت ها روی رفتار ترافیکی حداقلی باشد، توقع کاهش تلفات را نمی توان داشت. به گفته جانشین اسبق پلیس راهور تهران، کنترل حضوری پلیس کم رنگ تر شده و این را مردم به وضوح در خیابان های شهر و جاده ها می بینند که باعث می شود



یادداشت
دکتر علیرضا اسماعیلی رئیس اسبق پلیس راه و مدرس دانشگاه تهران

خودروهای ناایمن را شماره گذاری نکند

مسأله تصادفات تک علتی نیست و مولفه های متعددی در آن مداخله دارند که موجب می شود آمار تصادف کاهش یا افزایش پیدا کند. در واقع عواملی مثل راه، راننده، خودرو و پلیس همه باید در شرایط مطلوب باشند تا انتظار کاهش تصادف را داشته باشیم. مثلا در بحث کیفیت و بهبود راه، چه تلاش هایی در مسیر افزایش کیفیت راه ها و نگهداری از آن انجام شده است؟ در حال حاضر شرایط اقتصادی نیز تغییر کرده است. اگر پنج سال پیش راننده ای در ۳۰ هزار کیلومتر لاستیک خودرو را تعویض می کرد، حالا پس از طی ۴۵ هزار کیلومتر باید این کار را انجام دهد.

عامل انسانی نیز دخیل است. شرایط اقتصادی به راننده ها به خصوص رانندگان خودروهای عمومی مانند کامیون و اتوبوس اجازه نمی دهد تا قطعات لازم را خریداری کنند یا حتی اجازه خرابه شدن را بپردازند. چنین راننده ای درگیری ذهنی دارد و نمی تواند هوش و حواس خود را صد در صد در اختیار رانندگی قرار دهد. ضمن این که خودروهای ما نیز یا داخلی است یا اغلب شان ساخت چین است که با استانداردهای جهانی فاصله زیادی دارد. وقتی مادر مورد ایمنی راه صحبت می کنیم، یعنی راه به لحاظ خشکی ها، تابلوهای کنار جاده و چراغ ها باید به قدری استاندارد باشد که خود را به راننده معرفی کند. به گونه ای کمک کننده



۲ شاهد برای حل معمای قتل زن تنها

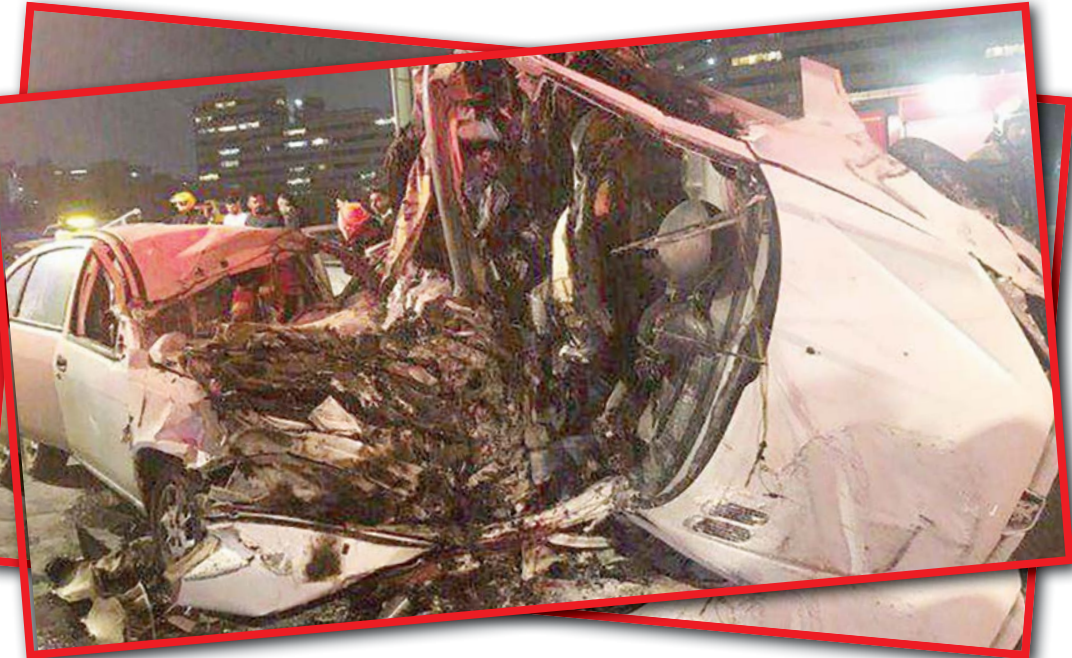
مرد بنگاه دار که متهم به قتل زن تنهاست در برابر دو شاهد پرونده ایستاد و از خود دفاع کرد.

به گزارش خبرنگار جام جم، رسیدگی به این پرونده از آذر سال ۱۳۹۸ و با گزارش قتل زن تنهایی در شرق تهران آغاز شد. دختر این زن بعد از دوروزی خبری از مادرش به خانه او آمده و با جسدش روبه رو شده بود. بررسی صحنه قتل نشان داد، قاتل با قربانی آشنا بوده و به راحتی وارد خانه شده و سرقتی هم انجام نشده است. مأموران با تحقیقات محلی دریافتند مرد بنگاه داری به نام احسان به خانه مقتول در رفت و آمد بوده که دستگیر شد. مرد میانسال در تحقیقات گفت: مینا جای دخترم بود و من چند بار برای انجام کارهای اداری کمکش کردم. خودم هم از شنیدن خبر قتل او شوکه شدم.ام بررسی هانشان داد، احسان چند سال قبل به اتهام قتل همسرش بازداشت شده و اعتراف کرده بعد از خفه کردن وی با متکا، جسد را در رودخانه انداخته. او پس از مدتی رضایت گرفته و آزاد شده است. بازپرس پرونده با توجه به دلایل موجود در پرونده، برای او به اتهام قتل کیفرخواست صادر کرد و پرونده برای محاکمه به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد.

در اولین جلسه دادگاه دختر مقتول برای قاتل مادرش درخواست قصاص کرد. سپس وکیل او در جایگاه ایستاد و گفت: همه شواهد به خصوص متن پیام های ارسالی مقتول و متهم، نشان می دهد مینا از ارتباط با این مرد میمانم شده بوده و قصد داشته به آن پایان دهد که با مزاحمت احسان روبه رومی شود. حتی مقتول به دوستانش هم

تهران آمدند و پدر خانواده را بخشیدند. این در حالی بود که والدین مقتول گفتند هر چند نوه های شان قاتل را بخشیدند اما آنها حاضر به گذشت نیستند و برای او قصاص می خواهند. متهم به قتل برای آخرین جلسه تحقیقات قضایی به شعبه دوم دادسرای جنایی تهران منتقل شد و در اظهاراتش گفت : همسر سابقم کارمند بیمارستان بود. چند مرتبه او را به طور اتفاقی با مرد غریبه ای دیدم و از آنها با گوشی ام عکس گرفتم. عکس را که به او نشان دادم گفت همکارش است و من دچار سوءظن شده ام. دچار اختلاف شدیم و او در

نمود من، غیابی اطلاق گرفت. وقتی به تهران بازگشتم تصمیم به قتل او گرفتم. با پرداخت ۲۰ میلیون تومان به مردی کلت و فشنگ خریدم. روز حادثه مقابل محل کارش رفتم، صدایش زدم و سه تیر سمت او شلیک کردم که کشته شد. فرزند نام مرا بخشیدند. حالا از والدین او می خواهم مرا ببخشند و از خطای من بگذرند. موسی رضازاده، بازپرس شعبه دوم دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به جام جم گفت: پیرونده این مرد به اتهام مباشرت در قتل عمدی زن سابقش با صدور جلب به دادرسی به دادگاه ارسال شد.



راهی پارکینگ نخواهد شد، همین باعث شده رانندگان ترسی از اعمال قانون نداشته باشند. بذرافشان با اشاره به این که ترافیک تهران ۲۴ ساعته شده، اظهار کرد: در گذشته نهایت دوزوز با سه روز در هفته ما با پیک های ترافیک روبه رو بودیم اما در حال حاضر تهران هر روز دارای ترافیک و تردهای سنگین است که باعث شده مردم بیشتر به سمت موتورسیکلت بروند. به دلیل این که به موتورسواران سخت گیری نمی شود، شاهد افزایش استفاده از موتورسیکلت و به تبع آن افزایش تلفات رانندگی در سطح شهرها هستیم. کارشناس عالی ترافیک و تصادفات خواستار حضور فیزیکی پلیس در جاده ها و معابر شهری شد و گفت: متأسفانه طرح و برنامه مناسبی هم در ستاد پلیس راهور اجرایی شود تا بر اساس طرح باتوان تلفات را کاهش داد.

وی با بیان این که به جای افزایش جرمه یا افزایش نمرات منفی باید طرح های بازدارنده ازسوی پلیس طراحی شود، تأکید کرد: تا وقتی کنترل پلیس مانند گذشته نشود با وجود جاده های ناایمن و خودروها، شاهد این حوادث مرگبار خواهیم بود.

موتورسیکلی که یک جعبه پیک در پشت آن بسته، خلاف جهت در حال حرکت است و قوانین را زیر پا می گذارد. چندی قبل با موضوعی روبه رو شدم؛ ۳۰ جوان از یک روستای مرزی در یک پیک اینترنتی با موتورسیکلت مشغول کار شده بودند و هیچ کدام گواهینامه و بیمه نامه نداشتند. وقتی هم از آنها پرسیدیم این چه کاری است که انجام می دهید، گفتند که مجبور هستیم و باید خرج خانواده را در بیاوریم و همه پولی را که از طریق پیک به دست می آوریم، برای خانواده های مان در روستایم فرستیم. وی خواستار اجرای دوباره طرح های برخورد با رانندگان و موتورسواران متخلف در تهران شد و گفت: متأسفانه طرح برخورد با موتورسیکلت های متخلف و رانندگانی که تخلف می کنند، متوقف شده و هر زمان هم در خواست برخورد و وسیله نقلیه آنها توقیف می شود، همین همیشه با موتورسواران متخلف برخورد و وسیله نقلیه آنها توقیف می شد، همین باعث می شد حداقل در زمان های اجرای طرح و مدتی پس از آن، تخلفات موتورسیکلت سواران کاهش پیدا کند. حال شاهد هستیم که متأسفانه با برخی از رانندگان خودرو نیز برخورد نمی شود و خودروی آنها به علت تخلفات توقیف و

در سال های مسئولیت، طرحی ارائه کردم که بر اساس آن خودروها و جاده ها درست مثل هتل ها، ستاره دار شود، اما هیچکس توجه نکرد، اما اگر مسئولیتی داشتم، علاوه بر توجه به بحث حمایت های معیشتی از پلیس و تقویت امکانات، از شماره گذاری خودروهای ناایمن جلوگیری می کردم. اگر مسئولیتی قبول می کنیم، باید تمام قد در خدمت باشیم، زیرا با افزایش آمار تصادفات، پلیس نیز شرمند می شود. در بسیاری از جاده های دنیا، مراکز کوچک تروما وجود دارد که به مصدوم تصادفی به سرعت رسیدگی می شود، اما در ایران این طور نیست و به دلیل طولانی بودن مسیر، مصدوم ممکن است فوت کند. تصور می کنم در زمان ریاست جمهوری زاگ شیراک، او دستور داد تا بحث تصادفات جزو سه اولویت اول کشور باشد. نتیجه این شده که در مدت پنج سال، ۳۰ تا ۴۰ درصد از میزان کشته ها کم شد. چون موضوع جدی بود. بیست و چند سال است در حال تعریض آزادراه تهران – شمال هستیم، اما هنوز به سرانجام نرسیده، در حالی که توتل ماش و اتصال دریایی بین فرانسه و انگلیس ظرف دو سال اجرایی شد. در این حوزه، مشکلات ما مانند یک زخم کهنه است و با افزایش جرمه ها کارها به صورت اصولی پیش نمی رود و باید اقدامات مهمی انجام داد.



موتور حرکت کرده اند، ۶۰ تا ۷۰ درصد موتورسواران کلاه ایمنی ندارند. مگر پلیس چقدر می تواند آنها را کنترل کند. پس باید حمل و نقل عمومی توسعه پیدا کند تا مردم به سمت موتور نروند. در مونیخ، هانوفر یا برلین آلمان کسی با موتور تردد نمی کند، زیرا مردم به حمل و نقل عمومی راحت دسترسی دارند. بنده بیست و چند سال در حوزه ترافیک کار کردم و معتقدم باید از الگوی آلمان و سوئد استفاده کنیم. من در این کشورها بودم. برای آنها حوادث رانندگی و ترافیک جزو سه اولویت اول است. آلمان در یک بازه زمانی ۱۲ تا ۱۶ هزار کشته داشت که در حال حاضر به زیر ۵ هزار نفر رسیده و در کل سال ۲۱۰ کشته ندارند که این هم به مدد ایجاد زیرساخت های استاندارد، ارائه آموزش های ترافیک و افزایش اطلاع رسانی به مردم میسر شد. در کشور ما بحث حوادث رانندگی و ترافیک اولویت چندم است؟ حتی دهم هم نیست. مجلس سوئد در سال ۱۹۹۷ قانونی تحت عنوان «چشم انداز صفر» به تمام سازمان ها ابلاغ کرد که بر اساس آن، هیچ انسانی نباید در اثر خطای انسانی جانش را از دست بدهد و همین باعث شد تا کشته های این کشور به ۲۰۰ نفر در سال برسد. ضمن این که پلیس مسئول شماره گذاری خودروهاست و می تواند خودروی غیراستاندارد را پلاک نکند، اما در مورد راه های ناایمن چنین اختیاری ندارد.

سناریوی مرگبار زن نطافتچی برای پیرزن

قرار گرفت و مدعی شد قرار بوده برای نطافت خانه مقتول برود که مشکلی پیش آمده و به روز دیگری موکول کرده بود. مأموران در ادامه به این زن که دائم درباره اتفاق قتل و بازداشت قاتل پرس وجو می کرد ظنین شدند و سرانجام او را به عنوان تنها مظنون پرونده روز سه شنبه سیزدهم آبان در خانه اش در شرق تهران بازداشت کردند. او با انتقال به اداره دهم پلیس آگاهی تهران در بازجویی گفت: برای نطافت و نگهداری از فرزند یکی از ساکنان ساختمان به آنجا در رفت و آمد بودم. پیرزن تنها در طبقه اول ساکن بود و من برای نطافت گاهی به خانه اش می رفتم. روزی متوجه طلاهایش شدم و از آنجا که بدهکاری داشتم و طلبکاران دنبال جلب من بودند، وسوسه سرقت طلاهای پیرزن به جانم افتاد. مدتی بود با مردی ۶۰ ساله و متاهل دوست شده بودم. نقشه سرقت از خانه پیرزن را به او گفتم که قبول کرد با من همراهی کند تا بعد از سرقت طلاها سهمی نیز نصیبش شود. قبل از شب حادثه داروهایی تهیه کردم تا پیرزن را بیهوش کنم. ساعت ۹ شب به بهانه نطافت به خانه پیرزن رفتم و در خانه را نیمه باز گذاشتم. همدستم با پوشش زنانه که وارد شد صاحبخانه با دیدن او فریاد زد. دستپاچه شدم و با او درگیر شدم. همدستم با دستانش گردن پیرزن را گرفت و فشار می داد تا تانکان نخورد و من با سرنگ سم را داخل دهانش ریختم. چند تکه طلا همراه داشت که سرقت کردم. روز بعد که برای سرکشی به ساختمان رفتم فهمیدم مرده است. بعد به خانواده اش گفتم که قرار بود برای نطافت به خانه او بروم که کار پیش آمد و رفتم. طلاهای سرقتی ۲۰۰ میلیون تومان ارزش داشت. با اعتراف این زن، مرد همدستش نیز در خانه اش بازداشت شد و به همدستی با این زن اعتراف کرد.

سرهنگ مرتضی نثاری، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ با تأیید این خبر به جام جم گفت: متهمان در بازداشت به سر می برند و تحقیقات از آنها برای کشف طلاهای سرقتی ادامه دارد.



زن نطافتچی که با همدستی مرد مورد علاقه اش با انگیزه سرقت طلا وارد خانه زن سالخورده شده و او را به قتل رسانده بودند، بازداشت شدند. به گزارش خبرنگار جام جم، شامگاه بیست و ششم مهر امسال، زنی چند بار با تلفن همراه مادر ۷۲ ساله اش تماس گرفت اما پاسخ نداد. دلنگران به خانه او در غرب تهران رفت و با جسدش روبه رو شد. با تماس این زن، تیمی از مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران راهی محل شدند و دریافتند این زن قربانی سرقت طلاهایش شده است. با تحقیق از خانواده اش مشخص شد، قرار بوده زنی برای نطافت به خانه مادرشان برود که نیامده است. این زن که برای کار به خانه بیشتر ساکنان در رفت و آمد بود، روز بعد با حضور در ساختمان مورد تحقیق